روزگاری که ستاره‌ها معضل بودند

تا زمانی که پول زیادی وارد فوتبال نشده بود، روزنامه‌نگاران ورزشی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ مشکل فوتبال ایران را برای رشد و بالندگی، ستاره‌های فوتبال می‌دانستند. ستاره‌هایی که در زمین می‌درخشیدند اما خارج از زمین چندان ستاره نبودند. می‌گفتند مشکل فوتبال ایران ستاره‌هاست و آنها بودند که برای تیم‌های باشگاهی و ملی مشکل می‌آفریدند. جدا از درخشش در مستطیل سبز که چشم‌ها را می‌ربودند، بسیاری از این ستاره‌ها خیلی زود از فوتبال محو شدند و کفش‌ها را آویختند. عمر فوتبال‌شان به روزگاری نرسید که بگویند مشکل فوتبال ایران مدیران هستند که درست هزینه نمی‌کنند.

پیش‌درآمد

درباره آنهایی که باید در فوتبال بیشتر می‌درخشیدند

ستاره‌های سوخته، فانوسک‌های خاموش

چیا فوادی
روزنامه‌نگار

اگر کنار یک فوتبالیست حرفه‌ای بنشینید، دغدغه اصلی‌اش فقط بودن در ترکیب اصلی تیم باشگاهی و تیم ملی نیست. شاید باورتان نشود دغدغه اصلی او مصدوم نشدن در تمرینات و بازی تیمش است. البته همه اینها ورای مبلغ قرارداد بالایی است که می‌بندد چون در هر حال همه فوتبالیست‌ها در حال حاضر وضعیت خوبی از جهت بسته شدن قرارداد و مبالغ داخل آن دارند. اما همین ستاره‌ها سرنوشت ستاره‌های قبلی را دیده‌اند که چطور افول کرده‌اند به همین دلیل می‌ترسند که بلایی که سر آنها آمد، سر اینها هم بیاید. چراکه مثلا مصدومیت رباط صلیبی یا حتی مصدومیت از ناحیه مچ پا می‌تواند فوتبال یک بازیکن را تا مرز نابودی بکشاند. این خطرات زمانی که با یک ستاره هم روبه‌رو باشیم، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند چراکه مثلا اگر یک ورزشکار یا یک ستاره در اوج موفقیت و درخشش با چنین مشکلاتی مواجه شود، آن‌وقت است که هم ستاره‌اش خاموش می‌شود و هم اینکه ستاره می‌سوزد و سقوط می‌کند. در فوتبال این ماجرا به توجه رسانه‌ای هم منجر شده و ستاره‌ها حسابی زیر ذره‌بین هستند. البته فقط مصدومیت نیست که ممکن است ستاره‌ها را دچار افول کند، جنگ، تحصیلات، مشکلات خانوادگی، مشکلات اقتصادی، جهت‌گیری‌های کلی زندگی یک شخص و بسیاری مسائل هم می‌تواند باعث افول ستاره‌ها شود. شاید بتوان به محسن خلیلی و امیدرضا روانخواه اشاره کرد. خلیلی بازیکن سابق پرسپولیس که مصدومیت رباط صلیبی‌اش، فوتبالش را نابود کرد یا بازیکن هم دوره‌اش یعنی امیدرضا روانخواه که او هم رباط صلیبی پاره کرد اما جراحی که او را عمل می‌کرد، اشتباه کرد و پای روانخواه دیگر آن پایی که باید می‌شد، نشد. این دو بازیکن هرگز نتوانستند به مستطیل سبز برگردند. البته بیشترین عاملی که باعث می‌شود ستاره‌ها افول کنند، مساله مصدومیت است. بازیکنان عاشق فوتبال هستند و به آن عشق می‌ورزند و وقتی یک باره با چنین مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند، ضربه روحی شدیدی می‌خورند. در اوج کنار گذاشتن فوتبال آنها را دلمرده و افسرده می‌کند. اما مصدومیت‌ها درفوتبال شدت زیادی دارند. همان‌طور که گفتیم برخی از آنها زیاد عمیق نیست اما زمانی که شکستگی یا پارگی پیش می‌آید، کار کمی فرق می‌کند. آن وقت است که دوران نقاهت هم طول می‌کشد و درنهایت مداوای ستاره‌ها طول می‌کشد و همین روی اعصاب‌شان می‌رود. اما برخی هم فقط به خاطر فوتبال مصدوم نشده‌اند. شاید بشود از نام‌هایی چون محمد دستجردی، حمید مطهری، جواد منافی، امیرحسین اصلانیان و سبو شهبازیان یاد کرد که مصدوم شدند و دیگر به فوتبال برنگشتند.

دستجردی تصادف کرد

آنهایی که نوستالژی دارند و فوتبال گذشته را به یاد می‌آورند، به خوبی به یاد دارند که پرسپولیس مهاجمی به نام محمد دستجردی داشت که در مسابقات آسیایی سال ۱۹۴۷ هم به تیم ملی دعوت شد، ولی در یک تصادف شدید اتومبیل استخوان رانش شکست و دیگر نتوانست به فوتبال برگردد و خداحافظی کرد.

منافی هم تصادف کرد

دوست نزدیک علی دایی، یعنی جواد منافی در سال ۱۳۷۳ و در ۲۴سالگی بهترین فوتبالیست ایران شد و چشم‌ها را خیره کرد ولی او هم به دلیل یک تصادف وحشتناک، فوتبالش تمام شد. او در زمین یک ستاره به تمام معنا بود و همان زمان‌ها علی پروین می‌گفت فوتبال ایران با داشتن منافی تا سال‌ها مشکلی نخواهد داشت.

مطهری هم تصادفی بود

اما بازیکن دیگری که به دلیل تصادف ماشین فوتبالش به پایان رسید، حمید مطهری بود که به عقیده یورگن گده، مربی‌ای که در دهه ۷۰ وارد فوتبال ایران شده بود، تنها بازیکن استاندارد و درجه اول ایران بود اما در یک تصادف نخاعش آسیب دید و در ۲۵ سالگی با فوتبال خداحافظی کرد. می‌گویند علی پروین به خاطر سلامتی‌اش اجازه نداده او فوتبال بازی کند.

اصلانیان تصادف در جاده شمال

بازیکن دیگری هم به نام امیرحسین اصلانیان بود که عشق علی پروین بود. او هم اسیر مصدومیت شد اما این مصدومیت به خاطر فوتبال نبود. تصادف در راه شمال باعث شد تا وی هم فوتبال را کنار بگذارد. همه گل به‌یادماندنی او را به ابراهیم میرزاپور زمانی که وی در پرسپولیس بازی می‌کرد، به یاد دارند. میرزاپور آن زمان دروازه‌بان فولاد خوزستان بود.

غازاریان با مصدومیت رفت

ژورس غازاریان، بازیکن ارمنی فوتبال ایران هم در ۲۵ سالگی فوتبالش تمام شد. وی در سال ۱۳۷۰ یکی از بازیکنان مطرح تیم ملی امید بود که در آرارات و استقلال خوش درخشید منتها عمل جراحی خوبی روی پایش انجام نشد. او رباط پاره کرد و در اوج مجبور شد فوتبال را کنار بگذارد. غازاریان در سال ۷۱ مرد سال فوتبال ایران شده بود.

اکبر محمدی هم یک تصادفی است

بازیکن تیم بانک ملی که هم‌دوره بازیکنانی چون مهدی مهدوی‌کیا، فرهاد مجیدی، داود فنایی و مهرداد میناوند بود، درنهایت در همان سال‌های اوایل دهه ۷۰ در تیم منتخب جوانان تهران چهره شد. او می‌توانست درجات موفقیت را طی کند اما تصادف مچ پایش را شکست و درنهایت او هرگز نتوانست به فوتبال برگردد اما راه مربیگری را پیش گرفت.

یک تصادف و چند مصدومیت

اما یک بازیکن ارمنی هم به نام سبو شهبازیان بود که هرچند در زمین هم مصدوم می‌شد اما بازیکن خوبی بود و آینده درخشانی داشت اما مصدومیت‌های پی‌درپی به علاوه یک تصادف کارش را خراب کرد و او هم فوتبالش تمام شد. همین الان هم بسیاری بازی‌های درخشان او را در آرارات و پاس به یاد دارند.

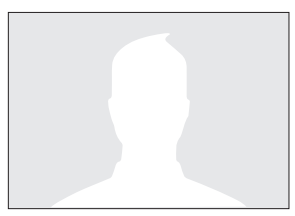

بلای خانمان‌سوز اعتیاد

شاید برخی بازیکنان فوتبال ایران باشند که پس از پایان دوران فوتبال‌شان به اعتیاد روی آوردند. همیشه مربیان فوتبال ایران از بازیکنی به نام ستار حیدرنژاد نام می‌برند که یکی از اعجوبه‌های دوران خودش بود. این بازیکن از تیم جوانان تهران به تیم ملی جوانان دعوت شد ولی گرفتاری به دام سوداگران مرگ، فوتبال وی را در ۲۲ سالگی به نقطه پایان رساند.

بهنام طاهرزاده هم محو شد

بهنام طاهرزاده در پرسپولیس عملکرد بسیار خوبی داشت تا جایی که کارشناسان همان زمان از او به‌عنوان پدیده فوتبال کشور نام می‌بردند اما او هم در یک سفر به اسلوونی و بازی برای تیم پابلیکوم اسلوونی فوتبالش تمام شد و کسی هم نفهمید چرا این اتفاق افتاد. طاهرزاده در فینال جام حذفی در سال ۷۶ که پرسپولیس سه بر صفر استقلال را شکست داد، یکی از سه گل پرسپولیس را به ثمر رساند.

تصادف در تقدیر مرحوم استیلی

مثل اینکه جاده‌ها زیاد برای فوتبال ما خوش‌یمن نبوده‌اند. جاده‌ها بسیاری از مواقع با قربانی کردن ستاره‌های محبوب فوتبال ایران، زهرشان را به هواداران ریخته‌اند و همین اواخر هم مسعود استیلی، برادر حمید استیلی را از فوتبال ایران گرفتند. البته مسعود استیلی به خاطر یک تصادف فوتبالش تمام شد ولی با یک تصادف در سعادت‌آباد تهران جان به جان آفرین تسلیم کرد.

خداحافظی نامعلوم

اما دو بازیکن هم بودند که به دلایل نامعلومی خداحافظی کردند. محمد برزگر، بازیکن بسیار خوبی بود که سال ۷۷ توسط منصور پورحیدری برای انجام یک بازی دوستانه به تیم ملی دعوت شد و همین ماجرا باعث شد که وی برای پرسپولیس بازی کند اما وی با پیوستن به تیم پرسپولیس فوتبالش به پایان رسید. برزگر در آن زمان ۲۷ سال داشت.

از صعود تا سقوط

مهرداد میناوند شاید می‌توانست تا ۳۵ سالگی در فوتبال ایران حضور داشته باشد. اما عمر درخشش او به ۳۰ سالگی نرسید. مدافع- هافبک خوب پرسپولیس و تیم ملی در دهه ۷۰، متولد سال ۱۳۵۴ بود که توانست بیشتر از سال ۸۳ و ۲۹ سالگی‌اش به حضور در فوتبال ایران ادامه دهد. او بازی در اروپا و تیم اشتروم گراتس اتریش و شارلوای بلژیک را هم تجربه کرد.

خداحافظی در ۳۰ سالگی

الان که رضا شاهرودی را می‌بینید آنقدر چاق شده که خودش هم باورش نمی‌شود. او عشق اول و آخر طرفداران پرسپولیس در دهه ۷۰ بود. قیافه فتوژنیک او باعث شده بود تا درکنار بازی بسیار خوبش محبوب قلب‌های فوتبال ایران باشد و به رضا مالدینی شهرت پیدا کند. رضا شاهرودی در زمین هم ستاره بود. بازیکنی که متولد ۵۱ بود همین که لیگ حرفه‌ای شد در سال ۸۱ از فوتبال خداحافظی کرد.

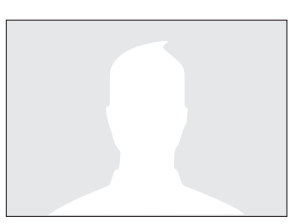

لژیونر شدن آفت شد

اما بازیکنانی هم بودند که وقتی لژیونر شدند فوتبال‌شان تمام شد. بازیکنانی که در داخل موقعیت خوبی داشتند اما برای فوتبال بازی کردن در خارج از کشور وسوسه شدند و درنهایت فوتبال‌شان به نوعی تمام شد. یکی از این لژیونرها محمد نادری بود که در پست هافبک در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ برای تیم ملی بازی کرد اما با پیوستن به لیگ اتریش کم‌کم از صحنه فوتبال محو شد.

علی اکبریان سیاه‌بخت شد

علی اکبریان هم یک ستاره سوخته است که شاید سوخته‌ترین ستاره این لیست بلندبالا باشد. مهاجم خوش‌تیپ سابق استقلال که این روزها مدام اسمش به خاطر مسائل دیگری بر سر زبان‌هاست. بازیکنی که سر از پرسپولیس علی پروین هم درآورد. او که متولد سال ۴۹ بود در سال‌های آغاز دهه ۷۰ بهترین روزهایش را در استقلال گذراند و لقب روماریوی ایران را هم گرفت. بعد که به پرسپولیس رفت نتوانست آن ستاره استقلال باشد. پروین گفته بود او را احیا خواهد کرد اما نتوانست. با این حال اکبریان قرمز، هیچ‌وقت اکبریان آبی نشد و درنهایت در سال ۷۸ و در ۲۹ سالگی از فوتبال رفت. ماجراهای اکبریان را حتما می‌دانید و احتیاجی به یادآوری ما نیست.

جباری زود محو شد

او حتی به استقلال هم گل زد. یک جباری دیگر که البته مثل مجتبی جباری در استقلال نشد. سرگذشت تلخ رضا جباری در بازنشستگی زودتر از موعد، گریبان دوست نزدیکش حسن خان‌محمدی را هم گرفت. در هر حال رضا جباری پرسپولیس هم جزء آن دسته از بازیکنانی است که عمر فوتبالی‌شان خیلی به درازا نکشید و حتی نتوانستند پا به توپ از ۳۰ سالگی بگذرند. هر چند علی پروین درباره او گفته بود که جباری تنبل بود و به همین دلیل از فوتبال خداحافظی کرد. جباری در سال ۵۶ به دنیا آمد و در حالی که همین حالا هم‌سن و سال‌های او دارند در لیگ برتر بازی می‌کنند، او در ۲۹ سالگی و پس از جدایی از پرسپولیس دیگر بازی نکرد تا بی‌سر و صدا خداحافظی کند.

خان محمدی یا فرفره؟

او بازیکن محبوب علی پروین بود و خیلی زود هم بین طرفداران پرسپولیس جا باز کرد. خداحافظی وی از دنیای فوتبال تشابه زیادی به خداحافظی دوست نزدیکش رضا جباری داشت. هر چند تنبلی جباری به حسن خان‌محمدی رسید. خداحافظی جباری شامل این هافبک سریع پرسپولیسی‌ها هم شد. همان‌طور که گفتیم خان محمدی را همه طرفداران پرسپولیس به یاد دارند. چرخش‌های دیدنی او در زمین به او لقب «فرفره» داده بود. خان‌محمدی در سال ۵۵ به دنیا آمد و در سال ۸۴ با یک آسیب‌دیدگی که جدی به نظر نمی‌آمد از فوتبال خداحافظی کرد. درست مثل رضا جباری که کسی متوجه نشد چطور از فوتبال خداحافظی کرد.

مهدی هاشمی‌نسب هم سوخت

مهدی هاشمی‌نسب هم در ۲۸ سالگی از فوتبال رفت. این یاغی دوست‌داشتنی فوتبال ایران، رکوردی منحصر به فرد هم دارد. اگر کمی به ذهن‌مان فشار بیاوریم متوجه می‌شویم که بازیکنی که توانسته باشد با سه تیم مختلف قهرمان ایران شود، وجود ندارد. هاشمی‌نسب با پرسپولیس و پاس و استقلال قهرمان لیگ برتر شده است. شاید بشود به امیرموسوی‌نیا اشاره کرد که او هم در ۲۸ سالگی از فوتبال رفت. هاشمی‌نسب هنوز هم بدن سرحالی دارد و فوتبال و بدنسازی و استخر را رها نمی‌کند. او که در سال ۴۵ به دنیا آمده، در سال ۸۳ فوتبال را کنار گذاشت. آن هم فوتبالی که با آن کلی افتخار کسب کرده بود.

نوآموز کجاست؟

برخی آرش نوآموز را به خاطر پدرش تیمسار نوآموز رئیس فدراسیون فوتبال در دهه ۶۰ می‌شناسند. البته لقب آقازاده فوتبال ایران را یدک می‌کشد. او طبق تقاضای پدرش به آمریکا رفت تا رئیس سابق و نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال حسابی ناراحت شود. آرش نوآموز یکی از ستاره‌های تاریخ باشگاه پاس است که متولد ۵۴ است و اتفاقا تا سال ۷۲ در این تیم ماند در ۲۷ سالگی از فوتبال حرفه‌ای خداحافظی کرد. نوآموز در آمریکا هم بازی کرد اما دوران حرفه‌ای‌اش در فوتبال ایران به پایان رسیده بود و حالا سراغ مربیگری رفته است. برخی می‌گویند که او به توصیه پدرش راه آمریکا رفتن را انتخاب کرده است.

دوپینگ کرد یا نکرد؟

حامد کاویانپور را اگر حالا ببینید باورتان نمی‌شود. او حسابی چاق شده است. شاید بسیاری بر این باور باشند که عصر فوتبال حرفه‌ای حامد کاویانپور، پس از ماجرای اتهام وی به استفاده از مواد نیروزا که سه سال پیش اتفاق افتاد به پایان رسید. او در استیل‌آذین بازی می‌کرد و البته بازیکنی که همه او را خوش‌فکر می‌دانستند با یک افت مواجه شد و در ۲۸ سالگی دچار مرگ زودرس حرفه‌ای در فوتبال ایران شد. هر چند برخی می‌گویند که او قبل از دوپینگ فوتبالش تمام شده بود. هر چند خودش همچنان می‌گوید که دوپینگ نکرده بود. برخی می‌گویند حامد در سال ۸۵ افت کرد تا در ۲۸ سالگی نتواند آن حامد همیشگی باشد.

«نیکبخت»، نیکبخت نشد

نیکبخت‌واحدی فصل پیش برای استقلال بازی کرد و با کمک قلعه‌نویی دوباره به استقلال برگشت اما این بازیکن متولد ۵۹ فراز و نشیب‌های زیادی در زندگی‌اش داشته است. نیکبخت مشهدی در استقلال به یک سوپراستار کامل تبدیل شد و در اوج به پرسپولیس رفت و در آخرین قهرمانی پرسپولیس در لیگ برتر ۹ گل زد و ۱۱ پاس گل داد تا از ارکان قهرمانی قرمزها باشد. یک فصل بعد اما او دچار حاشیه شد و افت کرد و دیگر هیچ‌وقت «نیکبخت» نبود. نیکبخت‌واحدی هم اسیر حاشیه‌ها شد. همانی که ستاره محبوب میروسلاو بلاژوویچ بود. امان از این حاشیه‌ها که پدر فوتبال همه فوتبالیست‌ها را درمی‌آورد.

مثل برادرش نشد

هادی مهدوی‌کیا، برادر مهدی مهدوی‌کیا، خیلی زودتر از مهدی راه پیشرفت را طی کرد و به پرسپولیس رسید. برای طرفداران پرسپولیس هیچ چیز خوش‌تر از ظهور برادر کوچک‌تر او در همان پست نبود. اول کار همه چیز خوب بود و هادی مهدوی‌کیا کارش را در سطح قابل قبولی با پرسپولیس آغاز کرد و به سرعت توانست اعتماد سکوها را جلب کند، اما قهرمانی معجزه‌آسای سرخپوشان در اولین لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران، در عین حال آخرین فصل فوتبالی هادی مهدوی‌کیا شد تا این بازیکن متولد ۱۳۵۸ در سال ۱۳۸۱ و تنها با ۲۳ سال سن از دنیای فوتبال خداحافظی کند. برخی می‌گویند که اختلاف‌های پروین با مهدی باعث شد تا این اختلافات دامن هادی را بگیرد.

امان از رباط پاره

داوود فنایی دروازه‌بان سابق پرسپولیس کسی بود که توانست احمدرضا عابدزاده را نیمکت‌نشین کند. نیمکت‌نشین کردن عابدزاده افتخاری است که متعلق به آدم‌های زیادی نیست، اما داوود فنایی یکی از آنهاست؛ یکی از آنها که توانستند عقاب آسیا را روی نیمکت بنشانند. این دستاورد بزرگ و باشکوه، در حالی در واپسین سال‌های دهه ۷۰ از آن داوود فنایی شد که او نیز متولد سال ۱۳۵۴ است و برخی می‌گویند حتی تا امروز می‌توانست سنگربان یکی از تیم‌های ایرانی باشد. فنایی در ۲۷ سالگی با پارگی رباط صلیبی مواجه شد و با پای مصدوم هم برای استیل‌آذین بازی کرد. او البته خیلی زود دوره‌های مربیگری را گذراند و حالا او مربی دروازه‌بانان تیم ذوب‌آهن اصفهان است.

برومند هیگوئیتا کجاست؟

وقتی پای حرف‌های پرویز برومند می‌نشینید به شما می‌گوید که در فوتبال ایران به حقش نرسید. شاید هم حق دارد. دروازه‌بان چابک استقلال با کف دست‌های بزرگ همه را به یاد یک بوکسور می‌انداخت و البته یک بار برای پایان رافت مدافع پرسپولیس بوکسور بودنش را نشان داد. در هر حال او هم اتفاقات تلخی برایش افتاد و دوستان نزدیکش می‌گویند که او خودش در اتفاقاتی که برایش افتاد مقصر بود. با این حال برومند که متولد ۱۳۵۳ است، خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد رقابت را در سال ۱۳۸۲ به وحید طالب‌لوی تازه از راه رسیده باخت و از فوتبال رفت. او که خودش را هیگوئیتای فوتبال ایران می‌نامید و می‌توانست سال‌ها دروازه‌بان ایران باشد، فوتبال را رها کرد و اسیر حاشیه‌ها شد.

فردی به نام «فرد»

استقلالی‌ها و آراراتی‌ها هنوز دوستش دارند. فرد ملکیان برای همه نامی آشنا و دوست‌داشتنی است. او برای استقلال حجازی گل‌های زیادی زد اما همه او را با گلی که روی سر عابدزاده وارد دروازه پرسپولیس کرد می‌شناسند. فرد قدرت بدنی پایینی داشت اما بازیکن خوبی بود و به تیم ملی هم دعوت شد. ولی درخشش باشگاهی را نداشت و درنهایت خیلی زود از فوتبال خداحافظی کرد. او متولد ۱۳۵۳ بود و در سال ۷۹ و در ۲۶ سالگی به دلایل نامعلوم فوتبال را ترک کرد. قلعه‌نویی در فصل ۸۴-۸۳ او را دوباره به خدمت گرفت اما او به نیمکت چسبید چراکه ۵-۴ سال از فوتبال دور بود. فرد ملکیان دیگر آن مهاجم تند و تیز گذشته نبود، به همین خاطر در حالی که بازی‌های زیادی به وی نرسید، فوتبال را کنار گذاشت.

بی‌انگیزگی عامل خداحافظی

اما دلیل بعضی خداحافظی‌ها تنها تصادف یا رفتن به خارج از کشور نبود. مهدی حاج‌محمد، ستاره سابق تیم تاج به دلیل اینکه با مصطفی مکری، رئیس وقت فدراسیون فوتبال دچار مشکل شد در ۲۲ سالگی فوتبالش را به پایان رساند. یک لج و لجبازی کودکانه درنهایت منجر به این شد که حاج محمد فوتبال را کنار بگذارد. البته بازیکنان دیگری هم هستند که در همین سن و سال از فوتبال خداحافظی کردند. علیرضا حاج‌قاسم که در استقلال بازی می‌کرد در ۲۵ سالگی فوتبالش به پایان رسید. داود میرطوسی در پرسپولیس هم در ۲۵ سالگی فوتبالش تمام شد. علیرضا اسدی هم که در دهه ۶۰ توانسته بود اعتماد پرویز دهداری را جلب کند و به تیم ملی دعوت شود به دلیل بی‌انگیزگی از فوتبال خداحافظی کرد.

افسوس برای مجاهد

اما مجاهد خذیراوی از بازیکنانی بود که واقعا در فوتبال ایران سوخت. مهدی حاج‌محمد، ستاره سابق تیم تاج به دلیل اینکه با مصطفی مکری، رئیس وقت فدراسیون فوتبال دچار مشکل شد در ۲۲ سالگی فوتبالش را به پایان رساند. یک لج و لجبازی کودکانه درنهایت منجر به این شد که حاج محمد فوتبال را کنار بگذارد. البته بازیکنان دیگری هم هستند که در همین سن و سال از فوتبال خداحافظی کردند. علیرضا حاج‌قاسم که در استقلال بازی می‌کرد در ۲۵ سالگی فوتبالش به پایان رسید. داود میرطوسی در پرسپولیس هم در ۲۵ سالگی فوتبالش تمام شد. علیرضا اسدی هم که در دهه ۶۰ توانسته بود اعتماد پرویز دهداری را جلب کند و به تیم ملی دعوت شود به دلیل بی‌انگیزگی از فوتبال خداحافظی کرد.

نکیسا یک فوتبالیست خواننده

نیما نکیسا که او هم عابدزاده را نیمکت‌نشین کرد، همان‌طور که خودش می‌گوید زود از فوتبال رفته است. نکیسا در بازی مقابل یوگسلاوی در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه داخل دروازه قرار داشت. نکیسا متولد ۱۳۵۴ بود و در سال ۸۴ از فوتبال خداحافظی کرد و در هر حال چهره و صدای خوب او از وی یک خواننده ساخت که چند آلبوم را هم منتشر کرده است. عمر حرفه‌ای نکیسا کوتاه بود اما علاقه وی به خوانندگی او را مشهورتر از روزهای فوتبال کرد. نکیسا می‌توانست سال‌های سال دروازه‌بان ایران و یک باشگاه باشد، اما او هم خیلی زود خداحافظی کرد. او هم زمانی مثل پرویز برومند گفته بود که می‌تواند رکورد پیتر شیلتون انگلیسی را بشکند اما هر دو نتوانستند.